

في الختام:

مَخْلَصٌ كَلَامٌ:

لدينا آية توجب كتابة الوصية عند الاحتضار وبكلمتين دالتين على الوجوب (كتب، وحقاً على)، قال تعالى: (كُتِبَ عَلَيْكُمْ إِذَا حَضَرَ أَحَدَكُمُ الْمَوْتُ إِنْ تَرَكَ خَيْرًا الْوَصِيَّةَ لِلْوَالِدَيْنِ وَالْأَقْرَبِينَ بِالْمَعْرُوفِ حَقًّا عَلَى الْمُتَّقِينَ) [البقرة: 180]، فمن ينكر كتابة الوصية يتهم الرسول بالمعصية.

آیه‌ای وجود دارد که نوشتن وصیت را هنگام مرگ با دو کلمه‌ای که بر واجب بودن آن دلالت دارد، واجب می‌کند: «کتب، وحقاً علی» (واجب است، حقی است بر....). خدای متعال فرمود: (اگر خیری به جای گذاشتید، بر شما هنگام وفاتتان وصیت نیکو نمودن به والدین و نزدیکان واجب است، این حقی است بر پرهیزگاران) [۱۰۸]. هر کسی که نوشتن وصیت را انکار کند، رسول الله (ص) را به معصیت متهم کرده است.

ولدينا روايات تدل على كتابة الوصية أو همّ الرسول بكتابة الوصية عند الاحتضار كرزية الخميس المروية في البخاري وما رواه سليم بن قيس في كتابه [۱۰۹] رواياتی است که دلالت بر نوشتن وصیت یا تأکید بر نوشتن وصیت توسط رسول الله (ص) هنگام وفات می‌نماید؛ مثل روایت «رزیه الخمیس» (مصیبت پنج شنبه) که در بخاری روایت شده است و آنچه سلیم بن قیس در کتابش روایت می‌کند. [۱۱۰]

ولدينا روايات موافقة لمحتوى الوصية وهي روايات المهديين الاثني عشر، وهي موجودة في كتب الأنصار ويمكن الرجوع إلى مصادرهما عند الشيعة والسنة [۱۱۱]، وأيضاً ما رواه الطوسي عنهم (ع) في أنّ اسم المهدي (أحمد و عبد الله والمهدي) [۱۱۲]، وما رواه السنة من أنّ اسم المهدي يواطئ اسم النبي [۱۱۳] أي أحمد كما ورد في الوصية.

روایاتی است که با مضمون وصیت، موافقت دارد که روایات مهدیین دوازده‌گانه می‌باشند و در کتاب‌های انصار موجود است و می‌توان به منابع آن در شیعه و اهل

سنت مراجعه نمود [۱۱۴]. همچنین آنچه طوسی از آنها (ع) روایت کرده است که اسم مهدی «احمد و عبدالله و مهدی» است [۱۱۵] و آنچه اهل سنت روایت کرده‌اند که اسم مهدی موافق اسم رسول الله است [۱۱۶] یعنی احمد، همان طور که در وصیت آمده است.

ولدينا نص الوصية المكتوبة عند الاحتضار وهي مروية في غيبة الطوسي [۱۱۷] ، ولا يوجد لدينا معارض لنص الوصية. وكل إشكال أتوا به لرد الوصية تم رده وبيان بطلانه.

وصیت نوشته شده‌ی هنگام وفات موجود است و در کتاب غیبت طوسی روایت شده است [۱۱۸] و (روایت) مخالفی با متن وصیت، وجود ندارد، و تمام اشکال‌هایی که برای ردّ وصیت آوردند، بیان شده است و علت بطلان آنها نیز پاسخ داده شده است.

فكيف يمكن - بعد كل هذا - لعاقل أن يرد الوصية، وكيف لمن يخاف الآخرة أن يرد الوصية، وكيف لمن يتقي الله أن يرد الوصية؟!!!.

بعد از همه‌ی اینها، چگونه یک فرد عاقل می‌تواند وصیت را ردّ کند؟! چگونه کسی که از آخرت می‌ترسد، می‌تواند وصیت را ردّ کند؟! و چگونه کسی که از خدا می‌ترسد می‌تواند وصیت را ردّ کند?!!!

[108] - بقره: 180

[109] - للمزيد انظر ملحق رقم (1).

[110] - رجوع شود به پیوست 1.

[111] - انظر ملحق رقم (2).

[112] - روی الطوسی: [463-... عن حذيفة قال: سمعت رسول الله (ص) وذكر المهدي فقال: إنه يبایع بين الركن والمقام، اسمه أحمد وعبد الله والمهدي، فهذه أسماءه ثلاثتها] الغيبة: ص 454. وللمزيد انظر ملحق رقم (3).

[113] - أخرج أحمد: [.. عن زر بن حبیش عن عبد الله قال قال: رسول الله صلى الله عليه وسلم لا تنقضي الأيام ولا يذهب الدهر حتى يملك العرب رجل من أهل بيتي اسمه يواطئ اسمي] مسند أحمد: ج 1 ص 377.

[114] - رجوع شود به پیوست 2.

[115] - طوسی روایت می کند: 463-.... حذیفه می گوید: از رسول الله (ص) شنیدم، هنگامی که ذکر مهدی شد فرمود: «بین رکن و مقام با او بیعت می شود، نام او احمد و عبد الله و مهدی است، این سه نام اوست» (غیبت طوسی: ص 454) و رجوع شود به پیوست 3.

[116] - احمد روایت می کند: ... از زر بن حبیش از عبد الله: رسول الله (ص) فرمود: «روزگاران نمی گذرد و زمان نمی رود تا این که برعرب، مردی از اهل بیت من فرمان روایی کند، نامش شبیه نام من است» (مسند احمد: ج 1 ص 377).

[117] - الغيبة: ص 150 ح 111.

[118] - غیبت طوسی: ص 150 ح 111.